

دکتر دیو متیوسون، ادبیات عهد جدید، سخنرانی ۱۶، اول قرن‌تین

© 2024 دیو متیوسون و تد هیلدبرانت

این دکتر دیو متیوسون در درس تاریخ و ادبیات عهد جدید، سخنرانی ۱۶ درباره اول قرن‌تین است.

بسیار خوب، بیایید جلو برویم و شروع کنیم.

در واقع هفته گذشته شروع به بررسی نامه های پولس کردیم، یکی از مهم ترین پیکره های عهد جدید یا بخش هایی که شامل نامه های پولس رسول است، شخصیتی که در کتاب اعمال رسولان با آن آشنا شده ایم. و ما شروع به نگاه کردن به آخرین دوره کلاس کردیم، شروع کردیم به نگاه کردن به کتاب اول قرن‌تین، و من می خواهم سرعت خود را کم کنم. این یکی از کتاب هایی است که ما سرعت آن را کم می کنیم و به یک زوج نگاه می کنیم، یک نمونه متن با جزئیات کمی بیشتر، در واقع سه یا چهار فصل یا بخش از اول قرن‌تین با جزئیات بیشتری برای بررسی مسئله یا مشکلی که پولس به آن پرداخته است و چگونه به آن پرداخته است و چگونه به آن پرداخته است، توانایی ما برای کشف مشکل یا مسئله ای که ممکن است در خطر باشد، چگونه می تواند در نحوه تفسیر واقعی متن تفاوت ایجاد کند.

در چند مورد، ممکن است در واقع منجر به درکی شود که بسیار متفاوت از آنچه در اولین خواندن به نظر می رسد یا خواندن ای است که ممکن است به آن عادت کرده باشید. اما بیایید با دعا شروع کنیم و سپس به طور خاص تر به بخش های خاصی از اول قرن‌تین نگاه خواهیم کرد.

ای پدر، ما می دانیم که با یک وظیفه دلهره آور و فروتنانه روبرو هستیم، و آن تلاش برای درک، تجزیه و تحلیل و دست و پنجه نرم کردن با چیزی است که چیزی کمتر از سخنان تو و گفتار و ارتباط تو با ما نیست. بنابراین، ای پدر، دعا می کنم که ما مایل باشیم که با متن دست و پنجه نرم کنیم و سؤالات دشوار را درباره متن و درباره خودمان بررسییم. و خداوند، که ما بیشترین زحمت را بکشیم و هر کاری که لازم است انجام دهیم تا آنها را تا حد امکان واضح و دقیق درک کنیم. به نام عیسی، ما دعا می کنیم. آمین.

بسیار خوب. بنابراین، ما با نگاهی به اول قرن‌تین از نقطه نظر اول قرن‌تین که تنها بخشی از ارتباط مداوم بین پولس و قرن‌تین است، به پایان رسیدیم.

ما، دوباره، شما در اعمال رسولان فصل ۱۸ می خوانید، می توانید جزئیات بیشتری در مورد پیشینه قرن‌تین یا نامه قرن‌تین در اولین دیدار پولس از قرن‌تس بخوانید، جایی که او تقریباً یک سال و نیم را صرف تأسیس کلیسای در آنجا کرد. و سپس به دلیل عوامل خاص و مسائل خاصی که در کلیسا به وجود می آیند، پولس لازم می بیند که در نوشتن یک سری نامه به آن مشکلات و مسائل بپردازد. و ما گفتیم که از نظر فنی اول قرن‌تین ما در واقع 2 قرن‌تین است.

اول قرن‌تین به نامه ای اشاره می کند که ظاهراً پولس قبلاً نوشته بود و ما دیگر به آن دسترسی نداریم. بنابراین، اول قرن‌تین از نظر فنی دوم قرن‌تین است. آنچه ما 2 قرن‌تین می نامیم از نظر فنی 4 قرن‌تین است زیرا 2 قرن‌تین ذکر می کند، بعداً به دوم قرن‌تین نگاه خواهیم کرد، اما دوم قرن‌تین به نامه شدیدی اشاره می کند که برخی از افراد در واقع احساس می کنند با حرف دیگری در 2 قرن‌تین ترکیب شده است.

بعداً در مورد آن صحبت خواهیم کرد، اما با فرض اینکه نامه شدیدی که در دوم قرن‌تین ذکر شده است نامه جداگانه ای باشد، حداقل 4 نامه ای را که پولس به قرن‌تین نوشت می شناسیم و می دانیم. باز هم، تنها 2 مورد از آنها در آنچه ما 1 و 2 قرن‌تین می نامیم وجود دارد یا وجود دارد. بنابراین، این بدان معناست که

تلاش برای بازسازی آنچه در حال وقوع بود کمی دشوارتر خواهد بود زیرا تعامل زیادی بین پل و خواندگانش وجود دارد.

او به سادگی فرض می کند، بدیهی است که آنها می دانند چه خبر است و او به آنها پاسخ خواهد داد. اما دوباره، ما باید کار سختی را انجام دهیم که بر اساس اول قرن‌تین تلاش کنیم، بر اساس آنچه از نظر تاریخی می توانیم بدانیم تا سعی کنیم مسائلی را که پولس در کلیسای قرن‌تس به آنها می پرداخت، بازسازی کنیم. در واقع دو راه وجود دارد، چند راه برای تقسیم کتاب یا فکر کردن در مورد کتاب اول قرن‌تین یا دو راه برای در نظر گرفتن طرح آن یا نحوه کنار هم قرار دادن آن.

یکی از آنها این است که می توانید کتاب را به روشی تقسیم کنید که پولس اطلاعات مربوط به کلیسای قرن‌تین را دریافت کرد. به عبارت دیگر، پس از اینکه پولس قرن‌تس را ترک کرد، پس از گذراندن یک سال و نیم در آنجا و تأسیس کلیسا، پولس چگونه از مشکلات مختلفی که به وجود آمد مطلع شد؟ خوب، به نظر می رسد 6 فصل اول به مشکلاتی می پردازد که از طریق گزارش دهان به دهان به پولس رسید. بنابراین، او از طریق گزارش شنید که کسی به او می گوید که مشکلات خاصی به وجود آمده است و در 6 فصل اول، او به ترتیب یا به نوعی هر مشکلی را که از آن آگاه شده است به نوبه خود می گیرد و با آن برخورد می کند.

در حالی که در فصل‌های 7 تا 16، به نظر می رسد که پولس به گزارش‌های مکتوب پاسخ می دهد. بنابراین به عنوان مثال، در فصل 7 در آیه 1، پولس می گوید، اکنون در مورد مسائلی که در مورد آنها نوشتید. بنابراین، چه یک نامه باشد و چه هر چیز دیگری، دوباره، شاید قرن‌تین نیز نامه ای برای پولس نوشتند، اما اکنون به نظر می رسد که پولس به یک سری از مسائلی که از طریق نامه از آنها آگاه شده است، پاسخ می دهد.

راه دیگر برای تقسیم نامه این است که آن را بر اساس روشی که یهودیان در این زمان اغلب غیریهودیان را توصیف می کردند تقسیم کنیم و آن بر اساس دو گناه کبیره است. شما این را در عهد عتیق می یابید، این را در ادبیات یهودی می یابید، این را در جای دیگری از عهد جدید می یابید. این یک درک رایج یهودی بود که غیریهودیان اساساً دو گناه را مشخص یا مقصر می دانستند، که فساد جنسی و بت پرستی است.

باز هم، در سراسر ادبیات یهودی ظاهر می شود و بنابراین فصل‌های اول، 5 تا 7، همگی می توانند به عنوان یک سری مسائل مربوط به مشکل فساد جنسی در نظر گرفته شوند. باز هم، این افراد را در دسته گناه معمولی قرار می دهد که به گفته یهودیان، غیریهودیان مرتکب آن شده اند. و سپس فصل‌های 8 تا 14 به موضوع بت پرستی می پردازد، که به گفته بسیاری از یهودیان، یکی دیگر از گناهان مشخصه غیریهودیان است.

و سپس فصل پانزدهم، به نوعی در اوج آن، به امید رستاخیز می پردازد. بنابراین این دو راه برای درک چگونگی کنار هم قرار گرفتن اول قرن‌تین است. وقتی اول قرن‌تین را می خوانید، بسیار مهم یا بسیار روشن می شود که به نظر می رسد پولس فقط تعدادی از مسائل و تعدادی از مشکلات را در نظر می گیرد و با آنها برخورد می کند و آنها اغلب با این عبارت معرفی می شوند، که اکنون نگران کننده است.

بنابراین اکنون در مورد گوشت تقدیم شده به بت‌ها، اکنون در مورد هدایای روحانی، اکنون در مورد این، اکنون در مورد مسائلی که در مورد آنها نوشتی. بنابراین به نظر می رسد که پولس با یک سری مسائل سر و کار دارد، اما باز هم، آنها را می توان بر اساس یکی از این دو طرح طبقه بندی کرد. پس این یکی از راه‌های سازماندهی و درک آنچه در اول قرن‌تین می گذرد است.

به نظر من این یکی بسیار قانع کننده است، زیرا جالب اینجاست که پولس قصد دارد به بسیاری از مشکلات قرن‌تین از منظر عهد عتیق بپردازد. و تقریباً به نظر می‌رسد که او یک چرخش عهد عتیق را در مورد مشکل قرن‌تین و راه حل خود برای آن مشکلات نیز قرار می‌دهد. حالا، وقتی این سوال را می‌پرسیم، پس چرا... بله، ادامه دهید.

باید 5 تا 7 باشد. ما کمی در مورد فصل‌های 1 تا 3 و آنچه در آنجا می‌گذرد صحبت خواهیم کرد. اما چرا پولس در وهله اول مجبور شد اول قرن‌تین را بنویسد؟ به عبارت دیگر، چه مسائل یا برخی از مشکلاتی بود که باعث شد پولس مجبور شود بنشیند و این نامه را بنویسد؟ و همانطور که گفتم، پولس یک سال و نیم را صرف تأسیس کلیسای در شهر قرنتس، پایتخت آخایا در یونان امروزی کرده بود. پس از خروج، مسائل و مشکلات خاصی به وجود آمد که در کلیسا نفوذ کرده بود که اکنون پولس از طریق دهان به دهان و از طریق مکتوب از آنها شنیده است.

و اکنون او می‌نشیند و این نامه را می‌نویسد تا به این سری مشکلات پاسخ دهد. در واقع، دوباره، این دومین نامه ای است که پولس نوشته است و ما آن را اول قرن‌تین می‌نامیم. پس چرا او مجبور شد آن را بنویسد؟ برخی از مشکلات عمده ای که در قرنتس اتفاق افتاد چه بود؟ خوب، من می‌خواهم دو مورد از آنها را برجسته کنم، اگرچه به نظر می‌رسد تعداد زیادی وجود دارد.

و راهی که می‌توان اینها را خلاصه کرد به سادگی این است. به نظر می‌رسد که فرهنگ قرن‌تین اکنون در کلیسا نفوذ کرده بود. به عبارت دیگر، روشی که همه چیز اتفاق می‌افتاد، روشی که مردم تجارت می‌کردند یا آنچه در حال رخ دادن بود، و نحوه تفکر مردم در فرهنگ سکولار قرن، اکنون در کلیسا نفوذ کرده بود و باعث ایجاد تعدادی از مشکلات شده بود که پولس اکنون قصد دارد به آنها بپردازد.

چند مورد از مسائل عبارت بودند از، یکی از آنها بحران در رهبری بود. به یاد داشته باشید، حدس می‌زنم در مورد یکی دو هفته اول این کلاس، البته، شما به یاد دارید که خیلی زود، ما کمی در مورد برخی از ارزش‌های فرهنگی صحبت کردیم، یکی از آنها رابطه حامی و مشتری بود. به این معنا که حامی یک عضو ثروتمند جامعه با موقعیت قابل توجهی بود که معمولاً نوعی منفعت را به یک عضو فقیر جامعه، فردی با موقعیت اجتماعی پایین‌تر، معمولاً در ازای حمایت سیاسی یا غیر سیاسی از نظر سیاسی اعطا می‌کرد.

به عبارت دیگر، آن شخص با رفتن به اطراف و گفتن اینکه چقدر فوق العاده است، چیزی شبیه به آن، به مشتری پول می‌دهد. بنابراین قرنتس در این ارزش فرهنگی غوطه ور بود و سهم خود را از حامیان، افراد ثروتمند با یک موقعیت اجتماعی خاص داشت. و موقعیت اجتماعی بسیار مهم بود.

قرن‌تین رهبران خود را در جامعه قرن‌تین از نظر موقعیت اجتماعی خود می‌دیدند و این برای آنها بسیار مهم بود. همچنین امکان تأثیر آنچه سوفیست نامیده می‌شود وجود داشت که از کلمه یونانی *sophos* به معنای خرد گرفته شده است. یک سوفیست یک معلم خردمند بود و سوفیست اساساً با هم رقابت می‌کرد، آنها این معلمان خردمند بودند که برای دنبال کردن رقابت می‌کردند.

و بنابراین، این رقابت بین رهبران، این مشاجرات سیاسی، ارتقای موقعیت، رقابت برای جایگاه، تأکید بر موقعیت اجتماعی و ثروت، این یک عامل بسیار مهم و عامل اجتماعی در قرنتس قرن اول بود. به نظر من، یکی از مسائلی که می‌توانست تعدادی از مشکلات را ایجاد کند، و فکر می‌کنم برخی از مشکلاتی را که در اول قرن‌تین می‌خوانیم، توضیح می‌دهد. یکی دیگر از مواردی که قبلاً در مورد آن صحبت کردیم مشکل فساد جنسی است.

اگرچه در امپراتوری یونانی-روم، مطمئناً محدودیت‌ها و مرزهایی وجود داشت، فعالیت‌های جنسی خاصی که آنها به آنها تحقیر می‌کردند و غیرقابل قبول بودند، اما نگرش رومی‌ها نسبت به تمایلات جنسی بدیهی است که بسیار بازتر و آزادتر و آزادتر از مسیحیان بود. و بنابراین، به ویژه در برخی مواقع در ارتباط با برخی اعمال مذهبی و برخی جشن‌های مذهبی با ادیان بت پرستانه، اضافه کردن اینکه در مجموع، اگر تعدادی از مسیحیان قرن‌تین در طول آن دوره ۱۸ ماهه پولس در قرن‌تس گذراندند، اگر تعدادی از آن مسیحیان از آن محیط بیرون آمدند و اکنون هنوز خود را در آن محیط می‌بینند، بدیهی است که این برای آنها مشکل ساز خواهد بود. و تعدادی از مسائلی که پولس به آنها می‌پردازد، فکر می‌کنم، مربوط به تعدادی از دیدگاه‌های یونانی-رومی نسبت به تمایلات جنسی است.

بنابراین این دو موضوع یا انواع دیدگاه‌ها یا ارزش‌های بسیار مهم در جامعه قرن‌تی و دنیای یونانی-رومی هستند که در کلیسا نفوذ کرده و شروع به ایجاد تعدادی از مشکلات کرده‌اند. و اکنون پولس شروع به پرداختن به کسانی می‌کند که در اول قرن‌تین هستند. بنابراین، کاری که می‌خواهم انجام دهم این است که می‌خواهم فقط به تعداد انگشت شماری از قسمت‌های مهم اول قرن‌تین نگاه کنم و سعی کنم با توجه به آنچه در مورد نامه اول قرن‌تین می‌دانیم، و همچنین آنچه در مورد شهر قرن‌تس و برخی از چیزهایی که گفتیم می‌دانیم، آیا می‌توانیم وضعیتی را که باعث می‌شد پولس آنچه را که انجام داد بنویسد، بازسازی کنیم؟ و چگونه می‌تواند به ما کمک کند تا آنچه را که در این بخش‌های مختلف قرن‌تین می‌خوانیم درک کنیم؟ چند مورد از این موارد را به طور خلاصه لمس می‌کنم، اما چند مورد را صرف می‌کنم، کمی بیشتر وقت می‌گذارم و کمی جزئیات بیشتری در مورد آنها صحبت می‌کنم.

اولین فصل فصل 1 تا 3 است. در فصل‌های 1 تا 3، اینجاست که پولس به این موضوع می‌پردازد که قرن‌تین چگونه با رسولان دیگر و سایر رهبران کلیسا رفتار می‌کنند. به عنوان مثال، پولس در فصل 1 اینگونه شروع می‌کند و با آیه 10 شروع می‌کند. این اولین مشکلی است که پولس به آن می‌پردازد.

و به نوعی، آنچه او در این فصل‌ها می‌گوید به توضیح تعدادی از مشکلات دیگر نیز کمک می‌کند. این به نوعی نشان دهنده تفکر قرن‌تی و تفکر یونانی-رومی و چگونگی تأثیر آن بر کلیسا است. بنابراین، این فصل 1 در آیه 10 است.

اکنون از شما برادران و خواهران، به نام خداوند ما عیسی مسیح درخواست می‌کنم که همه شما موافق باشید و هیچ تفرقه‌ای در میان شما وجود نداشته باشد، بلکه در یک ذهن و یک هدف متحد شوید. زیرا مردم کلویی به من گزارش داده‌اند، به نظر می‌رسد که این منبع دهان به دهان است که در مورد برخی از مشکلات قرن‌تس به پولس رسیده است. بنابراین، او می‌گوید، مردم کلویی به من گزارش داده‌اند که بین شما، برادران و خواهران من دعوا وجود دارد.

و این سوال را ایجاد می‌کند که چه نوع نزاع‌هایی وجود دارد؟ آنها بر سر چه چیزی دعوا می‌کنند؟ چه چیزی باعث این تفرقه می‌شود که اکنون پولس را اینقدر نگران کرده است؟ و او ادامه می‌دهد و در آیه 12 می‌گوید، منظور من این است. هر یک از شما می‌گویید که من به پولس تعلق دارم، یا به اپولوس تعلق دارم، یا به سفا تعلق دارم، یا به مسیح تعلق دارم. آیا مسیح تقسیم شده است؟ آیا پولس برای شما مصلوب شد یا به نام پولس تعمید یافتید؟ حالا، چیزی که به نظر می‌رسد مشکل است و چیزی که او می‌خواهد در فصل سوم به آن بپردازد این است که این آیات نشان می‌دهد که تفرقه و نزاع ناشی از نوعی اختلاف نظر در اطراف این چهره‌های کلیدی بوده است.

من به پولس تعلق دارم. من به اپولوس تعلق دارم. من متعلق به سفاس یا پطرس هستم.

حالا، وقتی این را می خوانید، دوباره، تعجب می کنید، خوب، چرا آنها این کار را می کنند؟ خوب، با توجه به آنچه گفتیم، به نظر می رسد که قرنطیان با رهبران کلیسای خود به همان روشی رفتار می کردند که به رفتار رهبران جامعه قرنطیان عادت کرده بودند. این است که بر موقعیت اجتماعی تأکید می کند، کل این پویایی حامی-مشتري، روشی که آنها با این سوفیست ها به عنوان سوفیست هایی که معلمان عاقلی هستند و برای پروان رقابت می کنند، رفتار می کنند. اگر همه اینها به نحوی در آن نقش داشته باشد، می توانید ببینید که چگونه قرنطیان ممکن است اکنون با رهبران کلیسای خود رفتار کرده باشند و شخصیت های مسلط کلیسا مانند پولس و اپولوس و سفا یا پطرس با آن افراد به همان روشی رفتار می کردند که به رفتار با رهبران شهر قرنطس عادت داشتند، که برای جلب توجه رقابت می کردند و با آنها از نظر نفوذ سیاسی و موقعیت اجتماعی و غیره و غیره با آنها رفتار می کردند.

بنابراین شاید اکنون پولس تشخیص می دهد که اکنون می خواهد این مشکل را با پاسخ خود حل کند، اگر با ما اینگونه رفتار کنید، اگر با رهبران کلیسای خود اینگونه رفتار کنید، فکر می کنید، بله، ممکن است حکمت قرنطس را منعکس کنید، اما حکمت قرنطس در واقع حماقت است وقتی که با معیار حکمت خدا سنجیده می شود، که حول مژده خداوند مصلوب شده، تحقیر شده و رنج کشیده ای می چرخد که بر روی صلیب درگذشت. بنابراین، پولس اساساً این فریاد برای موقعیت سیاسی را می گوید، رفتار با رهبران کلیسا مانند رهبران سکولار قرنطس از نظر موقعیت اجتماعی و جمع شدن و ایجاد تفرقه، همه اینها منعکس کننده حکمت قرنطس است، اما وقتی در برابر حکمت خدا در مژده خداوند مصلوب شده و رنج کشیده سنجیده می شود، این حکمت در واقع به حماقت تبدیل می شود. بنابراین او از قرنطیان می خواهد که از رفتار با رهبران خود به همان روشی که به رفتار با رهبران خود در قرنطس سکولار عادت کرده اند دست بردارند، بلکه در عوض با آنها بیشتر مطابق با مژده عیسی مسیح رفتار کنند.

پس این مشکل شماره یک است. بنابراین، در سه فصل اول، پولس فقط به تفرقه به طور کلی یا تمایل انسان به نزاع و رقابت نمی پردازد. باز هم، به نظر می رسد که او به یک مشکل بسیار خاص می پردازد که به دلیل فرهنگ قرنطیان و نحوه برخورد قرنطیان با رهبرانشان به وجود آمده است.

باز هم، موقعیت اجتماعی و رفتار با رهبران با توجه به آن، رابطه حامی و مشتري. این نیز ممکن است یکی از دلایلی باشد که پولس و این موضوع بعداً در اول قرنطیان آشکار می شود، اما ممکن است به همین دلیل باشد که پولس از حمایت مالی قرنطیان امتناع کرد. در حالی که او کاملاً مایل به دریافت حمایت مالی از اکثر کلیساهای دیگر بود، اما در قرنطس این کار را نکرد.

در عوض، او کسب و کار خود را برای امرار معاش راه اندازی کرد، و شاید به این دلیل که می خواست از آن فاصله بگیرد، می دانید، اگر قرار بود حمایت مالی دریافت کند، می توان او را در پرتو کل این کشمکش های سیاسی و موقعیت اجتماعی و رابطه حامی و مشتري و غیره درک کرد. بنابراین، او می خواست از آن اجتناب کند، و بنابراین به نظر می رسد که با قرنطیان، استراتژی متفاوتی را در پیش می گیرد. و اگر نامه ای به فیلیپیان را بخوانید که بعداً به آن خواهیم پرداخت، او با خوشحالی حمایت مالی آنها را دریافت کرد، تا بتواند خود را کاملاً وقف انتشار انجیل از طرف آنها کند.

اما وقتی نوبت به قرنطیان رسید، به دلیل برخی از مشکلات، پولس خود برای امرار معاش خود کار کرد. فصل 5. اول قرنطیان فصل 5. باز هم، ما به جلو می پریم. ما به هر فصل دست نمی زنیم.

من فقط تعداد انگشت شماری از آنها را انتخاب کرده ام. فصل 5 متن بسیار جالبی است، و من فکر می کنم تنها زمانی می توان آن را توضیح داد که ما دوباره برخی از پیشینه ها و مشکلاتی را که می توانست این موضوع را در اول قرنطیان 5 تسریع کند و باعث شود پولس مجبور به رسیدگی به آن شود، درک کنیم. و فصل 5 اینگونه آغاز می شود.

این یک متن نسبتاً عجیب است، حداقل برای ما از برخی جهات. او می گوید، در شروع آیه این فصل 5 است. در واقع گزارش شده است که در میان شما فساد جنسی وجود دارد و از نوعی که حتی در میان بت پرستان یافت نمی شود. به عبارت دیگر، اساساً آنچه پولس می گوید، این فقط لفاظی نیست.

چیزی که من آن را می پذیرم این است که او می خواهد وضعیتی را توصیف کند که حتی در جامعه سکولار قرن بیستم می شود و به او نگاه می شود. او می گوید، از نوعی که حتی در میان مشرکان یافت نمی شود. مردی با همسر پدرش زندگی می کند، که احتمالاً اشاره واضحی به نامادری او است و نه مادر بیولوژیکی او.

اما این یک چیز شگفت انگیز است. اگر فکر می کنید این شگفت انگیز است، او ادامه می دهد و می گوید، اما، و شما در مورد آن مغرور هستید، یا در مورد آن لاف می زنید. آیا نباید ترجیح می دادید عزاداری کنید؟ عزاداری به دلیل آنچه اتفاق می افتد غمگین نیست، اما عزاداری در عهد عتیق نشانه توبه بود.

بنابراین، او اساساً می گوید، بلکه شما باید از این موضوع توبه کنید. در عوض، شما لاف می زنید و مغرور هستید زیرا این شخص در میان شما و در میان شما وجود دارد، او به کلیسا اشاره می کند. این شخص در کلیسای شما وجود دارد که با همسر پدرش و نامادری اش می خوابد، و شما به جای توبه و انجام این کار که کسی که این کار را کرده است، از میان شما حذف می شود، در مورد آن لاف می زنید.

بنابراین به جای برخورد با این شخص، آنها در مورد آن لاف می زنند و آن را تحمل می کنند. بنابراین، سوال این است که منظورم این است که تعداد دیگری از سوالات را مطرح می کند. چه خبر است؟ چه چیزی باعث می شود این شخص این کار را انجام دهد؟ و چرا در دنیا کلیسا آن را تحمل می کند و در مورد آن به خود می بالد؟ چیزی که پولس می گوید، حتی قرن بیستم بت پرست سکولار نیز به این موضوع نگاه تحقیر آمیز می کنند و حتی این را تحمل نمی کنند، با این حال شما این کار را می کنید.

اول از همه، مشکل به وضوح این است که به نظر می رسد مشکل این است و توجه کنید که پولس چندان به خود مرد یا نامادری آن مرد خطاب نمی کند. در عوض، مسئله او چیست، و بله او از این بابت ناراحت می شد، اما چیزی که پولس واقعاً ناراحت شده است، گناهان جنسی مرد نیست، بلکه این واقعیت است که کلیسا با تکبر آن را تحمل می کند. بنابراین، مسئله کلیدی در اینجا این است که کلیسا به جای برخورد با موقعیت و همانطور که می گوید، آن را از میان خود حذف می کند، آن را تحمل می کند.

و ما در یک لحظه بیشتر در مورد آن صحبت خواهیم کرد. بنابراین دوباره، راه حل او برای این مشکل این است که کلیسای قرن بیستم باید این شخص بی اخلاق را اخراج کند تا پاپی کلیسا را حفظ کند. باز هم، خیلی جالب است، پولس نمی گوید، پولس در مورد این فرد بسیار کم می گوید، اما او همه چیز را در مورد نحوه برخورد کلیسا با این وضعیت و نحوه تحمل آن و انجام هیچ کاری در مورد آن می گوید.

حالا، برای پاسخ به چند سوال. اول از همه، چرا، دوباره، اولین سوال این است که چرا این فرد در وهله اول باید باشد، چرا باید باشد، و در این متن مشخص نیست که آیا او واقعاً با نامادری خود ازدواج کرده است یا اینکه فقط خارج از ازدواج با او زندگی می کند، اما در هر صورت، پل از این موضوع ناراحت است و ما خواهیم دید که چرا، چرا این کار ممنوع بود. اما دوباره، این فرد کاری را انجام می دهد که حتی جامعه یونانی-رومی نیز آن را تحقیر می کند.

چرا ممکن است این کار را انجام دهد؟ احتمالاً ممکن است چند توضیح وجود داشته باشد و من مطمئن نیستم که کدام یک است، اما یکی از توضیحات ممکن است این باشد که دلیل ازدواج این شخص با نامادری خود این است که شاید پدر فوت کرده و فوت کرده باشد یا ممکن است آنها نیز طلاق گرفته باشند و آنچه

ممکن است اتفاق بیفتد این است که اگر این نامادری با شخص دیگری ازدواج کند، سپس ارث پدر با او می‌رفت. بنابراین، در ازدواج با نامادری اش، او ممکن است این کار را فقط برای این انجام دهد که سعی کند پول را در خانواده نگه دارد به جای اینکه او با شخص دیگری ازدواج کند و بخشی از آن یا همه آن با همسر جدیدش برود. بنابراین این ممکن است یکی از دلایلی باشد که او با نامادری خود ازدواج می‌کند تا سعی کند پول را در خانواده نگه دارد.

ممکن است دلایل دیگری نیز وجود داشته باشد، مطمئن نیستم زیرا متن ساکت است، اما ممکن است توضیحی برای آن وجود داشته باشد. اما سوال دیگر این است که چرا کلیسا این را تحمل می‌کند؟ کمی به برخی از پیشینه‌هایی که در مورد آن صحبت کردیم فکر کنید. چرا کلیسا مایل است این شخص را تحمل کند و حتی به او ببالد؟ باز هم فکر می‌کنید، خوب، مطمئناً این یک کلیسا است.

مطمئناً آنها متوجه خواهند شد که این یک گناه جنسی است که حتی در دنیای سکولار یونانی-رومی و در قرن‌های مجاز نیست. چرا آنها حاضرند این را نادیده بگیرند و تحمل کنند، حتی به آن ببالد؟ آنها متوجه نشدند چه؟ بسیار خوب، بنابراین شاید آنها آنقدر به این عادت کرده‌اند یا این را می‌بینند که فکر نمی‌کنند برای آنها خارج از هنجار است. خوب، پس شاید با توجه به آنچه ما در مورد آن صحبت کردیم، در مورد فساد گسترده در جامعه یونانی-رومی، آیا ممکن است که آنها زیاد به این فکر نکرده باشند؟ این یک احتمال است.

چه چیز دیگری؟ چیز دیگه؟ آیا ممکن است آنها به خود می‌بالند که ... بسیار خوب. بله، آنها بودند... شاید آنها شنیده بودند که پولس در مورد اینکه چگونه ما با فیض از طریق ایمان نجات پیدا می‌کنیم، صحبت می‌کند، و فکر می‌کردند که بر این موضوع تأکید می‌کنند تا قضاوت در مورد این شخص. باشه.

اگر این فرد فردی با نفوذ در جامعه باشد که ممکن است حامی باشد چه؟ شاید این یکی از مکان‌هایی باشد که کلیسای قرن‌های در آن ملاقات می‌کرد. معمولاً آنها در خانه یک فرد ثروتمند ملاقات می‌کردند. اما اگر این یک حامی ثروتمند باشد، یک فرد با نفوذ در جامعه چه؟ من گمان می‌کنم که شاید دلیل این باشد که چرا آنها او را رها می‌کنند و این را نادیده می‌گیرند، به این دلیل است که آنها نمی‌خواهند خود را از این منبع مالی جدا کنند، و نمی‌خواهند علیه کسی با این موقعیت و موقعیت اجتماعی صحبت کنند، بنابراین مایلند این را رها کنند، و در عوض به این شخص به عنوان یک عضو با نفوذ جامعه می‌بالند.

به عبارت دیگر، فصل 5 ممکن است بسیار نزدیک باشد، یا ممکن است ویژگی‌هایی را با فصل‌های 1 تا 3 به اشتراک بگذارد، در مورد رهبران لاف‌بزن، با آنها در پرتو موقعیت اجتماعی و موقعیت سیاسی و غیره رفتار کند، و شاید این، دوباره، یک حامی ثروتمند باشد، کسی با موقعیت اجتماعی، و بنابراین هیچ‌یک قرار نیست به این مرد دست بزنند، و آنها مایلند او را نادیده بگیرند. حالا، چند چیز دیگر. من فکر می‌کنم کلید درک این متن نیز این است که نه تنها پیشینه قرن‌های سکولار را درک کنیم، بلکه درک کنیم که روشی که پولس وضعیت و راه حل او را توصیف می‌کند به وضوح ریشه در عهد عتیق دارد.

به عنوان مثال، ما فقط پرسیدیم که چرا آنها حاضرند تحمل کنند و لاف بزنند. لاویان 18، در لاویان 18، نویسندگان را می‌بینیم که زنانی با محارم و انواع مختلف روابط محارم را محکوم می‌کند. یکی از آنها رابطه با همسر پدر است که می‌تواند نامادری باشد. بنابراین، به نظر می‌رسد که پولس به ممنوعیت زنانی با محارم در لاویان فصل 18 فکر می‌کند.

همچنین می‌بینید که تثنیه روابط محارم را نیز ممنوع می‌کند. دوم، این واقعیت که او جماعت را فرا می‌خواند تا گرد هم آیند و قضاوت کنند، منعکس‌کننده تصور عهد عتیق از جماعت، مجمع قوم خدا،

اسرائیل، است که گرد هم می آیند تا در کتاب تثنیه قضاوت یا تصمیم بگیرند. به عبارت دیگر، پولس از دریچه عهد عتیق به این وضعیت نگاه می کند.

او به ویژه تثنیه از سایر متون عهد عتیق استفاده می کند تا لنز و چشم اندازی را برای قرن‌تیان فراهم کند تا به این وضعیت نگاه کنند. یکی دیگر، به ویژه کتاب تثنیه است، اما متون دیگر بر لزوم حفظ خلوص در جامعه، به ویژه برای ورود به معبد، تأکید می کنند. جالب است که در فصل 3، یکی از معروف ترین عبارات اول قرن‌تیان فصل 3، پولس کلیسا را در فصل 3 چگونه توصیف می کند؟ او می گوید، آیا نمی دانید که چه چیزی؟ آیا نمی دانید که معبد خدا هستید؟ اکنون به کار بردن تصاویر معبد عهد عتیق در کلیسای قرن‌تس، نه ساختمان آنها، بلکه خود مردم که برای عبادت جمع می شوند.

بنابراین، پولس کلیسا را به عنوان یک جامعه پاک شده، یک معبد مقدس تصور می کند، و به همین دلیل است که او از آنها می خواهد که این فرد را اخراج کنند یا او را از میان خود حذف کنند، تا خلوص این جامعه، این جامعه جدید، این کلیسای معبد در قرن‌تس را حفظ کنند. بنابراین، دوباره، پولس در مورد فردی که مرتکب گناه می شود چیز زیادی نمی گوید، اما او همه چیز برای گفتن به کلیسا دارد و آنها را به عنوان یک جامعه مقدس در امتداد خطوط جامعه عهد عتیق خدا به تصویر می کشد که باید پاک باشد، یعنی با به تصویر کشیدن آنها به عنوان معبدی که فقط در صورتی می توانید به آن راه بروید. پولس با به تصویر کشیدن کلیسا به این شکل، از کلیسا می خواهد که این شخص را تحمل نکند، صرف نظر از موقعیت اجتماعی او، بلکه در عوض او را از میان آنها حذف کند تا پاکی خود مردم را حفظ کند.

بدیهی است که اشاره ای در متن وجود دارد که هدف نهایی این است که این شخص احیا شود، اما در عین حال، پولس عدم تحمل کلیسا را تحمل نخواهد کرد، این واقعیت که آنها عادل هستند، یا متأسفم، او تحمل کلیسا را تحمل نخواهد کرد، یعنی آنها فقط می خواهند این را نادیده بگیرند شاید به دلیل موقعیت اجتماعی او. بسیار خوب، پس این یک مثال از این است که چگونه فکر می کنم درک کمی در مورد وضعیت قرن‌تس، پس زمینه، ممکن است به شما کمک کند. اگر این مردی است که یکی از اعضای بانفوذ جامعه است، اکنون می توانید ببینید که چرا آنها ممکن است بخواهند او را رها کنند، اما پولس می گوید شما نمی توانید ارزیابی کنید، شما نمی توانید با توجه به ارزش های جامعه قرن‌تیان به این وضعیت پاسخ دهید.

در عوض، او مجموعه ای از لنزهای عهد عتیق را در اختیار آنها قرار می دهد تا به وضعیت خود در نوری جدید نگاه کنند، تا آن را از نظر این جامعه معبد پاک شده خدا و نیاز به حفظ پاکی در میان آنها ببینند. درسته، اول قرن‌تیان فصل 7، متن جذاب دیگری است. شروع می شود، این به نوعی اولین بخش از بخشی است که پولس اکنون ظاهراً به مسائلی که از طریق مکتوب به او رسیده است، شاید در یک نامه، پاسخ خواهد داد.

او می گوید، اکنون در مورد موضوعاتی که در مورد آنها نوشتید، برای مرد خوب است یا برای مرد خوب است که به زنی دست نزد. حالا، بگذارید دو ترجمه مختلف از این آیه را به شما نشان دهم. این یک کتاب مقدس قدیمی تر است، کتاب مقدس استاندارد جدید آمریکایی، برخی از شما ممکن است آن را داشته باشید، و ممکن است نسخه های دیگری نیز وجود داشته باشد که کاری مشابه انجام دهند.

این نسخه استاندارد اصلاح شده جدید است، اما همانطور که به این نگاه می کنید، عبارت بسیار شبیه به هم است، تفاوت بین این دو چیست؟ تفاوت این دو چیست؟ یک مورد سخت این است که بیشتر دلالت بر این دارد که پولس می گوید برای یک مرد خوب است که به یک زن دست نزد، و سپس پایین ترین، علامت نقل قول، این چیزی است که آنها می گویند، و پولس می خواهد این کار را انجام دهد. خیلی خوب. آیا همه این را می شنوند؟ یک مشاهده بسیار زیرکانه.

این یکی در اینجا، تفاوت نقطه گذاری است. نحوه نقطه گذاری این نشان می دهد که این چیزی است که پولس گفت. پولس قصد دارد به قرنطیان نامه بنویسد و به آنها بگوید که برای یک مرد خوب نیست که یک زن را لمس کند.

بنابراین، به نظر می رسد که پولس قصد دارد به مشکل فساد جنسی شایع بپردازد و می خواهد آن متوقف شود. درک لمس کردن، می دانید، نه فقط لمس فیزیکی، بلکه لمس کردن به عنوان یک شی جنسی همان چیزی است که این کلمه به آن دلالت دارد. در حالی که این یکی، به نحوه نقطه گذاری آن توجه کنید، اکنون در مورد موضوعاتی که در مورد آنها نوشتید، و توجه کنید که این در گیومه است، برای یک مرد خوب است که به یک زن دست نزد.

این خلاصه ای از آنچه قرنطیان می گفتند و آنچه فکر می کردند بود. بنابراین نحوه نقطه گذاری این تفاوت بزرگی در نحوه خواندن فصل هفتم ایجاد می کند. آیا فصل هفتم پاسخ پولس به فساد جنسی شایع در کلیسا است، یا پاسخی به چیزی است که قرنطیان می گفتند؟ آنها کسانی بودند که می گفتند برای یک مرد خوب است که به یک زن دست نزد.

و دوباره، در آن روز، اساساً این مردی بود که پیشرفت می کرد. بنابراین، کدام یک است؟ مشکل اینجا است که اگر شما می توانستید به عقب برگردید و نسخه های خطی اصلی عهد جدید را بخوانید، که ما نداریم، زمانی که پولس در ابتدا در قرن اول نوشت، چیزی که شما پیدا می کردید این بود، من نمی توانم به یاد بیاورم که آیا تصویری از یک نسخه خطی را در ابتدای ترم قرار داده بودم، اما در قرن اول، روشی که آنها می نوشتند، اول از همه، آنها بدون فاصله بین کلمات یا حروف می نوشتند. همه چیز با هم اجرا می شد.

دوم، آنها بدون نقطه گذاری، بدون نقطه، ویرگول، علامت سوال یا علامت نقل قول می نوشتند. همانطور که ترجمه انگلیسی خود را می خوانید، حداقل در عهد جدید، تمام نقطه ها و ویرگول ها و گیومه ها و علائم نگارشی همه توسط ویراستاران و مترجمان کتاب مقدس شما در آنجا قرار می گیرند. بنابراین جالب اینجا است که ترجمه های امروزی ما، تا حدی، به همان اندازه که یک ترجمه هستند، یک تفسیر هستند.

همه آنها تفسیرهایی هستند و حتی نحوه استفاده از علائم نگارشی می تواند بر نحوه خواندن آن تأثیر بگذارد. به نظر من، فکر می کنم اکثر آنها شروع به توافق می کنند که این روشی است که ما باید آن را بخوانیم، که این پولس نبود که می گفت برای یک مرد خوب است که به یک زن دست نزد، بلکه این قرنطیان بودند که این را می گفتند. سپس این سوال پیش می آید که چرا در دنیا قرنطیان چنین می گویند؟ چرا حداقل برخی از قرنطیان می گویند که برای یک مرد خوب است که به یک زن دست نزد، یعنی از نظر جنسی؟ چه چیزی در جهان باعث می شد قرنطیان چنین چیزی بگویند؟ خوب، برخی پیشنهاد کرده اند، خوب، این به دلیل یک نوع دوگانه گرایی افلاطونی یا یک نوع تفکر گنوسی است.

به یاد داشته باشید، در ابتدای ترم، ما در مورد گزینه های مختلف مذهبی و فلسفی یونانی-رومی صحبت کردیم و یکی از آنها افلاطونیسیم بود که از جمله افلاطونیسیم بین دنیای معنوی و فیزیکی تمایز قائل می شود. برخی ممکن است این را به افراط برده باشند تا بگویند از آنجا که واقعیت نهایی معنوی است، ما باید هر گونه اشتیاق جسمی و بدنی را انکار کنیم. و بنابراین یکی از شاخه های آن انکار هر گونه رابطه فیزیکی بود.

و بنابراین، به دلیل این نوع تفکر افلاطونی که ممکن است بر کلیسای قرنطیس تأثیر بگذارد، برخی از آنها از انکار هرگونه لذت جسمی حمایت می کردند و در عوض به دنبال معنوی می رفتند، که به معنای عدم درگیر شدن در هیچ نوع روابط جنسی بود. و سپس پولس به آن پاسخ خواهد داد. اکنون، این امکان پذیر است.

با این حال، این امکان نیز وجود دارد که وقتی ادامه می دهید و فصل 7 را می خوانید، پولس انواع توصیه ها را ارائه می دهد. او خطاب به شوهران و همسرانی که ازدواج کرده اند. او افرادی را که طلاق گرفته اند خطاب قرار می دهد.

او افرادی را خطاب قرار می دهد که ظاهراً به طلاق فکر می کنند. او افرادی را که مجرد هستند و به ازدواج و ازدواج فکر می کنند خطاب قرار می دهد. او افرادی را که مجرد هستند و به ازدواج فکر نمی کنند خطاب قرار می دهد.

بنابراین، او افراد مختلفی را مخاطب قرار می دهد، مرد و زن، به طوری که به نظر نمی رسد این دوگانگی افلاطونی بین روح و ماده همه مشکلات را توضیح دهد. من تعجب می کنم که آیا این بیشتر این واقعیت نیست که به دلیل دو چیز، زیرا پولس در جای دیگری از نامه به موضوع فساد جنسی پرداخته است، و قبلاً نامه ای که از نظر فنی اول قرن‌تین است که ما دیگر نداریم، به نظر می رسد که به مسائل فساد جنسی می پردازد. از آنجا که پولس به این موضوع پرداخته است و از آنجا که در قرن‌تس بسیار شایع بود، من تعجب می کنم که آیا برخی از قرن‌تین ممکن است به دلیل دستورات پولس برای مراقب بودن، و به دلیل اینکه در قرن‌تس بسیار شایع است، پاسخ نداده اند، خوب، شاید بهترین راه باشد، زیرا در قرن‌تس بسیار شایع است، من تعجب می کنم که آیا برخی از قرن‌تین تعجب می کردند، شاید بهتر است که ما به طور کلی از آن اجتناب کنیم.

و اینکه برخی، حتی در رابطه زناشویی، خودداری می کردند. اگرچه پولس در اول قرن‌تین فصل 7 به وضوح می گوید که مرزهای روابط جنسی در رابطه زناشویی است، اما اگر برخی فکر می کردند که در رابطه زناشویی پرهیز می کنند، برخی ممکن است از خود بپرسند که آیا باید همسران خود را طلاق دهند یا خیر، و برخی که مجرد بودند از خود می پرسیدند که آیا حتی باید ازدواج کنند، یا غیره و غیره. بنابراین به نظر می رسد که پولس به تعدادی از مشکلات در اول قرن‌تین 7 مربوط به این موضوع می پردازد که باز هم شاید به دلیل برخی از دستورات پولس در مورد هشدار در مورد فساد اخلاقی و به دلیل اینکه در قرن‌تس بسیار شایع بود، من تعجب می کنم که آیا برخی از قرن‌تین می گفتند، شاید بهتر باشد که ما به طور کلی از آن اجتناب کنیم و از رای دادن خودداری کنیم، حتی در رابطه زناشویی.

بنابراین، پولس در فصل 7، دستورالعمل‌های مختلفی را برای افراد متاهل، افرادی که طلاق گرفته اند یا قصد طلاق دارند، افرادی که مجرد هستند و نمی دانند که آیا باید ازدواج کنند یا خیر، و غیره ارائه می دهد. پس یک بار دیگر، فصل 7 فقط این نیست که پولس بنشیند و به موضوع ازدواج و غیره پردازد، بلکه دوباره به یک موضوع و مشکل بسیار خاص می پردازد که به دلیل آنچه در فرهنگ قرن‌تین می گذرد در کلیسای قرن‌تین به وجود آمده است. چیزهای بیشتری می توانیم در مورد فصل 7 بگوییم، اما احتمالاً بقیه این ترم طول می کشد.

بله، درست است. یا احتمال دیگری که من از آن مطمئن نیستم، اما برخی پیشنهاد کرده اند که همه قرن‌تین در مورد این موضوع یکسان فکر نمی کردند. بنابراین شاید پولس در فصل 7 گروه یا جناح متفاوتی را در داخل کلیسا خطاب می کند، متفاوت از کسانی که از آنچه در فصل 5 اتفاق می افتاد حمایت می کردند. این یک احتمال است، مطمئن نیستم.

بله، نمی دانم. بله، آیا این امکان وجود داشت؟ منظورم این است که با توجه به آنچه ما از اکثر شهرهای بزرگتر می دانیم، به هر حال، احتمالاً چندین جماعت کوچکتر وجود داشته است. و اینکه آیا آنها گاهی اوقات دور هم جمع می شدند و به صورت گروهی ملاقات می کردند یا خیر، مطمئن نیستم.

حداقل، حدس می زنم که به اندازه کافی به آن فکر نکرده ام تا به آن برای قرنطیان پاسخ دهم. آیا احتمالا چندین کلیسا وجود داشته است یا فقط یک کلیسا وجود داشت؟ یا، دوباره، چند نفر بودند که گاهی اوقات با هم ملاقات کردند؟ مطمئن نیستم که چگونه به اول قرنطیان پاسخ دهم. این سوال واقعا خوبی است.

بسیار خوب، پرش به جلو، اول قرنطیان 11. و من می خواهم به بخش دوم اول قرنطیان 11 نگاه کنم. در اول قرنطیان فصل 11، در کل فصل، پولس به مسائل کلیسا در حالی که برای پرستش جمع می شوند می پردازد.

و درک این موضوع بسیار مهم است. پولس به کارهایی که قرنطیان به تنهایی انجام می دهند نمی پردازد، اگرچه او چیزهایی برای گفتن در این مورد دارد، اما به آنچه قرنطیان در خانه های خود انجام می دهند یا آنچه که آنها به عنوان فردی یا در گروه ها و جوامع و چیزهای دیگر انجام می دهند نمی پردازد. او در فصل های 11 و 12 تا 14 صحبت می کند، بخش بعدی که به آن نگاه خواهیم کرد، او به مسائلی می پردازد که هنگام جمع شدن قرنطیان برای پرستش پدیدار شده است.

باز هم، چه در خانه های جداگانه باشد و چه در یک خانه به طور خاص، من دقیقا مطمئن نیستم که پولس در اینجا چه تصویری دارد. بنابراین، فصل 11 به مشکل کلیسا در هنگام جمع شدن برای عبادت می پردازد. و نیمه دوم فصل 11 چیزی است که می خواهم روی آن تمرکز کنم، آیات 17 تا 34 فصل 11.

حال، او چگونه شروع می کند، با آیه 17 شروع می کند. او می گوید، حالا، در دستورالعمل های زیر، من شما را تحسین نمی کنم، گویی به هر حال تاکنون تحسین های زیادی برای آنها داشته است، زیرا وقتی دور هم جمع می شوید، نه برای بهتر است، بلکه برای بدتر شدن است. برای شروع، وقتی به عنوان یک کلیسا گرد هم می آیید، می خواهم متوجه کنایه یا پارادوکس در نحوه صحبت پولس شوید.

برای شروع، وقتی به عنوان یک کلیسا گرد هم می آیید، می شنوم که بین شما تفرقه هایی وجود دارد. بنابراین، به کنایه یا تناقض توجه کنید. آنها به عنوان یک کلیسا گرد هم می آیند، اما واقعا گرد هم نمی آیند زیرا هنوز تفرقه هایی بین آنها وجود دارد.

و بنابراین، من پیشنهاد می کنم که آنچه پولس در فصل 11 می خواهد بگوید هنوز نتیجه این است که چگونه اوضاع در زندگی روزمره در قرنطس سکولار پیش می رود. تقسیم بین موقعیت اجتماعی، به ویژه تقسیم بین ثروتمندان و فقیران، مشتریان حامی، این نوع تقسیمات اکنون به کلیسا نفوذ می کند و مشکلی را ایجاد می کند که پولس در فصل 11 به آن می پردازد. بنابراین، او می گوید، شما به عنوان یک کلیسا گرد هم می آیید، اما در واقع، شما به این دلیل که تفرقه هایی بین شما وجود دارد، گرد هم نمی آیید.

حال، در بقیه این، او می گوید، از آیه ۱۹ شروع می شود، در واقع، باید در میان شما فرقه هایی وجود داشته باشد، زیرا فقط به این ترتیب روشن خواهد شد که چه کسی در میان شما هستند. بنابراین، این مسئله اصلی پولس است. وقتی کلیسا گرد هم می آید، در شام خداوند شرکت می کنند، یا ممکن است آن را عشای ربانی یا عشای ربانی یا اصطلاحات دیگری که ما آن را می نامیم، بنامید.

در این متن، او آن را شام خداوند می نامد. او می گوید، وقتی دور هم جمع می شوید، در واقع شام خداوند نیست که می خورید. بنابراین، او وقتی دور هم جمع می شوند تا عشای ربانی یا شام خداوند را بخورند، این واقعا چیزی نیست که اتفاق می افتد.

او می گوید، زیرا وقتی زمان غذا خوردن فرا می رسد، هر یک از شما با شام خود پیش می روید و یکی گرسنه می ماند و دیگری مست می شود. او می گوید، چی؟ آیا خانه هایی برای خوردن و نوشیدن ندارید؟ یا کلیسای خدا را تحقیر می کنید و کسانی را که هیچ چیز ندارند تحقیر می کنید؟ حالا، اینجا چه خبر است؟ اول از همه،

مهم است که بدانیم روشی که آنها در قرن اول انجام دادند ممکن است کمی متفاوت از آن چیزی باشد که ما به آن عادت کرده ایم. حداقل در تمام سنت هایی که با آنها بزرگ شده ام و در پایان، معمولاً یک یکشنبه در ماه است.

اگرچه وقتی در اسکاتلند بودم، بسیار بیشتر بود و از آن لذت بردم. ولی در کلیساهایی که من در آن بزرگ شدم، معمولاً ماهی یک بار عشای ربانی داریم و مراسم با گروه ستایش و موعظه شما به طور عادی ادامه می یابد. و در پایان، سپس راهنماها بالا می آیند و عشای ربانی برگزار می شود و همه هنوز نشسته اند و نان را رد می کنند و شما آن را می خورید.

و سپس جام را رد می کنند و شما آن را می نوشید. و سپس گروه ستایش برمی گردد و چیزی می خواند و شما از در بیرون می روید. حالا، در قرن اول، اینطور نبود.

معمولاً عشای ربانی در چارچوب غذایی که کلیسا با هم می خورد انجام می شد. و به همین دلیل است که این اشاره به خوردن و مست شدن برخی و خوردن برخی قبل از رسیدن دیگران، این در زمینه یک وعده غذایی کلیسا بود که در جایی در آنجا، شاید در انتهای آن، در شام خداوند جشن عشای ربانی یا عشای ربانی یا شام خداوند به اوج خود می رسید. حالا، مشکل این است که دوباره، مشکل قرن نهم چیست؟ پولس چه چیزی را اینقدر ناراحت کرده است؟ چگونه است که آنها جناح هایی دارند؟ یا چگونه است که تفرقه وجود دارد؟ و پس چرا پولس می گوید که واقعا شام خداوند نیست که شما جشن می گیرید؟ بنابراین، مشکلی که پولس به آن رسیدگی می کرد چه بود؟ به نظر من، همانطور که قبلاً گفتم، این مشکل در سطوح مختلف اجتماعی، مانند رابطه حامی و مشتری و تمایز بین اعضای نخبگان ثروتمندتر جامعه و اعضای فقیرتر، اکنون به کلیسا نفوذ کرده بود و اکنون حتی به روشی که آنها عشای ربانی را جشن می گرفتند، آشکار می شد.

بنابراین آنچه احتمالاً در حال رخ دادن است، و این، فکر می کنم، یک سناریوی قابل قبول است وقتی بسیاری از منابع اولیه یونانی-رومی را می خوانید و می فهمید که احتمالاً در قرن نهم چه می گذرد، به احتمال زیاد برخی از اعضای ثروتمندتر، اول از همه، کلیسای قرن نهم یا کلیساهای به احتمال زیاد در خانه یک عضو ثروتمند ملاقات می کردند، شاید حامی که خانه و منابع مالی خود را اساساً برای این کلیسای کوچک ارائه می داد. و بنابراین، ما احتمالاً در یک خانه نسبتاً بزرگ، حداقل برای آن روز، از یک عضو ثروتمندتر کلیسا در جامعه قرن نهم هستیم. اکنون، بسیاری از اعضای ثروتمندتر احتمالاً به نیاز به کار وابسته نبودند، و بنابراین آنها اولین کسانی بودند که وارد شدند و شروع به غذا خوردن کردند.

و جالب اینجاست که احتمالاً توسط خدمتکاران یک وعده غذایی کامل برای آنها سرو می شد. حالا، اعضای بیچاره، دلیلی که پولس به آنها می گوید، شما می آید و قبل از اینکه دیگران بیایند غذا می خورید، بعداً در آیه ۳۳، او می گوید، در عوض، شما باید منتظر همه باشید. چرا او این را می گوید؟ به احتمال زیاد، این اعضای فقیر بودند که دیرتر می رسیدند، شاید به این دلیل که مجبور بودند کار کنند و اعضای ثروتمندتر این کار را نمی کردند.

علاوه بر این، بیشتر ثروتمندان، افرادی که اول می آمدند، بیشتر آنها به محل غذاخوری معمولی می رفتند، که تعداد محدودی صندلی داشت، و همه آنها می آمدند و خدمتکاران از آنها یک وعده غذایی کامل سرو می کردند. اعضای فقیری که وارد می شدند احتمالاً مجبور بودند در دهلیز خانه ملاقات کنند یا بنشینند، یک اتاق کوچکتر، و در واقع غذای کمتری به آنها داده می شد، یا ممکن است بگوییم شاید باقی مانده باشد، اما در واقع غذای کمتر. باز هم، در قرن نهم، این تمایز بین ثروتمند و فقیر.

و بنابراین، ثروتمندان می آیند و می خورند و می نوشند و اوقات خوبی را سپری می کنند و بهترین غذا را می خورند و توسط خدمتکاران سرو می شوند، و سپس فقرا دیرتر می آیند، شاید بعد از کارشان، و غذای کمتری می

خورند، و پولس می گوید، و شما آن را شام خداوند می نامید؟ شما از چیزی استفاده می کنید، تمام نکته او این است که شما از چیزی استفاده می کنید که باید اتحاد و اتحاد شما را در مسیح جشن بگیرد، این واقعیت که همه شما به یک بدن مسیح تعلق دارید، شما از چیزی استفاده می کنید که باید وحدت شما را ترویج و بیان کند، شما از آن برای ایجاد تفرقه و بیان بیشتر تفرقه اجتماعی در میان خود استفاده می کنید. این چیزی است که پل را بسیار ناراحت کرده است. بنابراین، در پایان این آموزش، او به آنها می گوید، اجازه دهید آیه دقیق را پیدا کنم، او می گوید، بنابراین، این آیه 27 است، بنابراین او می گوید، هر زمان که بنابراین، یا هر نان را بخورد یا پیاله خداوند را بنوشد، یعنی هر در مشارکت به روشی که شما هستید شرکت کند، قرنطیان، به شیوه ای ناشایسته، در برابر بدن و خون خداوند پاسخگو خواهد بود.

و او می گوید، در عوض، خود را بررسی کنید. حالا، منظور او از این حرف چیست؟ زیرا، دوباره، اگر بتوانم، فقط با اشاره به سنت خودم، زمانی در مراسم عشای ربانی هستم، معمولاً شبان این آیه را می خواند و می گوید که شما هستید، ما فراخوانده شده ایم تا خودمان را بررسی کنیم و مطمئن شویم که شام خداوند را به شیوه ای ناشایسته نمی خوریم، که معمولاً به معنای داشتن گناهی در زندگی شما است که به آن اعتراف نکرده اید. بنابراین، شما حدود سه دقیقه فرصت دارید تا به هر گناهی که از آخرین باری که در مراسم عشای ربانی بودید، که ممکن است یک ماه پیش بوده باشد، فکر کنید، و برای برخی از آنها، بنابراین، ممکن است بیشتر از دیگران باشد.

اما، منظوری این است که شما باید برای همه این گناهانی که در هفته یا ماه گذشته مرتکب شده اید یا هر چیز دیگری طلب بخشش کنید، و با این خطر که ممکن است چیزی را فراموش کنید. و من در واقع افرادی را می شناسم که از خوردن شام خداوند امتناع کرده اند، و فکر می کنم در گذشته این کار را کرده ام زیرا مطمئن نیستم که شایسته هستم. فکر می کنم در زندگی ام گناه دارم و لیاقت خوردن شام خداوند را ندارم.

و من مطمئن نمی خواهم بگویم که این نامناسب است، اما مطمئن نیستم که منظور پل این باشد. اگر این را در متن آن بخوانید، مشکلی که او به آن می پردازد چیست؟ مشکل گناه اعتراف نشده نیست. مشکل استفاده از شام خداوند برای ایجاد تفرقه و تداوم این تمایزات اجتماعی در کلیسا است.

همانطور که پولس قبلاً گفت، از آیه 21 شروع می شود، وقتی زمان غذا خوردن فرا می رسد، هر یک از شما شام خود را می خورید و یکی گرسنه می ماند و دیگری مست می شود. آیا خانه هایی برای غذا خوردن ندارید، یا کلیسای خدا را تحقیر می کنید و کسانی را که هیچ چیز ندارند تحقیر می کنید؟ بنابراین، اشتباه اصلی که پولس خطاب می کند، یا به شیوه ای ناشایسته در شام خداوند شرکت می کند، این است که این کار را به گونه ای انجام می دهد که شخص دیگری را تحقیر یا تحقیر می کند یا از تصدیق آن امتناع می کند. یعنی وقتی تفرقه وجود دارد یا تحقیر یا تحقیر یا طرد یا درگیری با شخص دیگری دارید، شام خداوند را بخورید.

استفاده از شام خداوند به گونه ای که باعث ایجاد تفرقه شود. بنابراین دوباره، یک سنت محترم وجود دارد که حول شرکت در شام خداوند به شیوه ای ناشایسته و معنای آن بزرگ شده است. مطمئناً، شام خداوند زمانی برای تأمل در نگرش ما نسبت به شام خداوند و نگرش ما نسبت به خود خدا است، اما شاید اولویت باید نگرش ما نسبت به یکدیگر باشد.

آیا ما در شام سرور شرکت می کنیم در حالی که در واقع با شخص دیگری تحقیر یا تحقیر کرده ایم یا تحقیر کرده ایم یا اختلاف یا تفرقه ایجاد کرده ایم؟ منظور پولس این است که می گوید شما شام خداوند را به شیوه ای ناشایسته می خورید. و به همین دلیل است که ما باید خودمان را بررسی کنیم. آیا ما کاری انجام داده ایم که باعث ایجاد تفرقه شده است؟ آیا ما شخص دیگری را تحقیر کرده ایم؟ تشخیص بدن و خون مسیح در اینجا به معنای درک این است که این شام خداوند وحدت قوم خدا را به عنوان اعضای بدن مسیح بر اساس مرگ عیسی مسیح اعلام می کند.

و استفاده از آن یا رفتار با آن به هر روش دیگری، مشارکت به شیوه ای نالایق است. بنابراین دوباره، من فکر می کنم درک پس زمینه ای که این مشکل را ایجاد کرده است.

این دکتر دیو متیوسون در درس تاریخ و ادبیات عهد جدید، سخنرانی ۱۶ درباره اول قرن‌تیان است.